

برگی از درخت شکسته

نویسنده:

دکتر داود کیانی

عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات بین‌المللی انرژی

استاد دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز



آنا پنا

سرشناسه: کیانی، داود، ۱۳۴۹ -

kiany, Davod

عنوان و نام پدیدآور: برگی از درخت شکسته / نویسنده داود کیانی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات آناپنا، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۶۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۸۸-۵۸-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

موضوع: کیانی، داود، ۱۳۴۹ - -- خاطرات

موضوع: Diaries-- kiany, Davod

موضوع: خاطرات ایرانی -- قرن ۱۴

۲.th century -- Iranian diaries

رده‌بندی کنگره: CT۱۸۸۸

رده‌بندی دیویی: ۹۲۵/۵۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۷۵۷۱۷

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



نشر آناپنا

برگی از درخت شکسته

دکتر داود کیانی

امور هنری: موسسه گل بی‌منت بارون

صفحه‌آرا: حسن موسوی

طراح جلد: مزگان اعتصامی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

چاپ اول: تابستان ۱۴۰۱

چاپ: مهرگان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۸۸-۵۸-۰

پنجاه و هشت هزار تومان

نشانی: تهران/ خیابان آزادی/ ابتدای خوش شمالی/ پلاک ۹/ طبقه ۱/ واحد ۵

تلفن: ۰۲۱۶۶۴۳۳۱۳۱/ ۰۲۱۳۲۵۲۸۵۸/ ۰۹۱۲۵۲۷۲۸۵۸

ایمیل: anapananashr@gmail.com

اینستاگرام: @anapanabook

وبسایت: www.anapana.ir



مقدمه	۱۱
فصل اول: سرزمین مادری	۱۷
۱- شرحی از دیگران	۱۹
۱-۱ محمد بهمن بیگی	۱۹
۲-۱ سهراب سیهزی، روستای گلستانه کاشان	۲۱
۳-۱ علی شریعتی، کویر مرییان	۲۳
۴-۱ حسین پناهی، دژ کوه	۲۵
۵-۱ سر آب ننیز، گچساران (کوهگلیویه و یوبر احمد)	۲۶
۱-۵-۱ ایل عبدالملکی (الی شاه)	۳۴
۲-۵-۱ دبستان (دوره ابتدایی) ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۹	۳۶
۳-۵-۱ راهنمایی، سر آب ننیز ۱۳۶۱ تا ۱۳۶۳	۴۱
فصل دوم: هجرتی جدید، نبردی سخت	۴۷
۲- آموزشگاه حرفه‌ای نفت شهید رجایی امیدیه (آغازی) ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۵	۴۹
۱-۲ جبهه و جنگ - تیرماه ۱۳۶۳	۵۲
۲-۲ جبهه - ۱۳۶۴	۵۵
۲-۲-۱ فتح فاو، عملیات والفجر ۸، بهمن ۱۳۶۴	۵۸
۲-۲-۲ کردستان، اسفند ۱۳۶۴	۶۲
۳-۲ محسن مخملباف	۶۲
۴-۲ عملیات کربلای ۵، تیپ ۴۸ فتح، دی ۱۳۶۵	۶۵
۵-۲ شلمچه، فروردین ۱۳۶۷	۶۶

۷۱	۲-۵-۱ جراحی ماهشهر، خرداد ۱۳۶۷
۷۳	۲-۵-۲ ماردآبادان، ۲۰ مرداد ۱۳۶۷
۷۵	۲-۶-۶ نامه‌ی آوینی به ابراهیم خاتمی کیا
۷۸	۲-۶-۱ نجوای آوینی با پادگان دوکوهه
۸۱	فصل سوم: استخدام در خارج
۸۳	۳- خارج، در یتیم خلیج فارس
۸۷	۳-۱ بندر ماهشهر، یدک‌کش‌ها، ۱۳۶۸
۸۸	۳-۲ آموزشگاه علوم دریایی اهواز، ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۳
۹۰	۳-۳ دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۸
۹۴	۳-۴ ازدواج، ۱۳۷۶
۹۷	۳-۵ شرکت نفت گچساران، ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۴
۹۹	۳-۶ دانشگاه آزاد اسلامی شیراز، ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۴
۱۰۰	۳-۷ تهران، شرکت نفت مناطق مرکزی ایران، ۱۳۸۴
۱۰۳	فصل چهارم: مالزی، خاور دور
۱۰۵	۴- مالزی، ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۷
۱۱۰	۴-۱ هجرتی نوین، تیر ۱۳۸۵
۱۱۸	۴-۲ مردبزرگ، ماهاتیر محمد
۱۲۰	۴-۳ هجرت به ارمنستان، ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹
۱۳۶	۴-۴ موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، تهران- ۱۳۹۱
۱۳۸	۴-۵ عربستان سعودی، حج تمتع، مهر ۱۳۹۱
۱۴۰	۴-۶ عراق، کربلا، شهریور ۱۳۹۲
۱۴۴	روزشمار زندگی

مقدمه

دوست داشتم مقدمه این کتاب از هر دری سخن باشد. هر چه دوست دارم و با هنجارشکنی متون ادبی در مقدمه کتاب بیاورم. شاید هم بٹ الشکواهایی باشد که من هر چه نگاه می‌کنم و به گذشته برمی‌گردم، جز رنج و مشقت چیزی یافت و صید نمی‌کنم. گام با خودم شکوه می‌کنم آیا همه‌ی آدم‌ها از این رنج و مشقت عبور کرده‌اند. اگر روح آدمی این‌همه تحمل و ظرفیت دارد که چون گندم آرد شود که جای احسنت دارد. اما می‌بینم بیشتر آدم‌ها از کوری حرارت و رنج خارج شده‌اند و در این بازی قمار گونه، باخته‌اند. لذا می‌بینم در این قمار دنیا که سنگواری اصلی‌اش بر اساس رنج بوده خوب توانسته‌ام به‌رازم. این برگ‌ها در مقابل تاریخ و آیندگان شهادت خواهند داد که چه رنج و غم عظیمی را تحمل نموده‌ام. به عقیده من برای حقیقت عشق و حقیقت کمال نسبی باید از قلمرو رنج عبور کرد. بخشی از رنج‌ها که خوب به تصویر کشیده نشده در اینجا روح مرا مانند دریا به تلاطم واداشت.

روزگاری رفت و من در هر زمان آزمودم رنج غربت را بسی
درد غربت می‌گذارد روح را جز غریب این را نمی‌داند کسی
سهیلی

بی‌هقی پیرامون قلم و ارزش نویسندگی متذکر می‌گردد: "و عمق و اندوه و اندازه‌ی پهنای هر کس آنگه آشکار گردد که قلم برگیرد و نبشتن گیرد". و در عالم

زیباتر از قلم ندیده‌ام. به پاس آن اندوه جاویدان و آن شکر ناب چندخطی را با قلم سرکنیم: قلم عزیز چقدر تو را دوست دارم. اگر تو نبودی، در تنهایی‌های من چه کسی تاب تحمل آن همه درد را داشت. از نوک تو اشک‌های من روان می‌شد. تو بودی که در لحظات شاد نوشتی و سکون در تو جایگاهی نداشت. محرم اسرار من بودی، سینه‌ی تو چه دردها را در درون تحمل کرد و تنها با کاغذ گفتمی و نوشتی و شنودی. ای پدیده الهی، ای صاحب گنج و کرامات، حال همه‌ی آدم‌ها را که مقایسه می‌کنم می‌بینم تنها قلم بوده که توانسته آن‌ها را به نسل‌های بعد و جوامع دیگر معرفی کند. قلم گاه گل بودی، گاه گلوله، آنگاه که گل بودی چه دوستان خوب برای من یافتی، آنگاه که گلوله بودی چه دوستان مرا بیریدی، زخم جانکاه بر من زدی، تو بودی که یا نمی‌دانستی یا به عمد به حرکت درآمی و جملاتی حک کردی که آدم‌ها را آزردی. قلم ای پناه بی‌پناه من، چه بسیار آدم‌ها که برای خویش پناهایی ساخته‌اند اما من یکه و تنها در این کویر برهوت تنها چاره‌ام تو بودی، آن همه بث الشکواها، آن همه جملات را جمع کردی و مرا تخلیه کردی. قلم تو چقدر بزرگی، چه عظمتی در تو نهفته است، افتخار می‌کنم در سایه تو، احساس مرور و شجاعت می‌کنم. تو چه قدرت سنگینی داری.

تلخی‌ها و رنج‌های بسیار وجود دارد که انسان را موجودی خودساخته به بار می‌آورد و به دنبال آن سختی شیرینی را خواهد داشت، آن چنان مولانای فرماید: «ما چندین تلخی کشیده‌ایم تا به منزلت شیرینی رسیدیم تو لذت شیرینی چه دانی، چون مشقت تلخی نکشیده‌ای؟»

لذت شیرینی را کسی می‌تواند درک کند که رنج و سختی فراوان چشیده باشد و روحش در حوادث و دوران زیروزیر شده باشد. حافظ شیرازی پیرامون رنج و سختی عمر خود نیز می‌فرماید:

این همه شهد و شکر گز سخنم می‌ریزد

اجر صبری است گز آن شاخ نباتم دادند